

شماره سندلی:

نام و نام خانوادگی:

سئوال امتحان درس: فلسفه ۲

نمونه سوال استاندارد دی ماه ۱۴۰۰

نام پدر:

نام دبیر: ساجدی

رشته: انسانی و معارف

ساعت امتحان: صبح

وقت امتحان: ۷۵ دقیقه

تاریخ امتحان: ۱۴۰۰ / ۱۰ /

تعداد برگ سئوال: ۲ برگ

نام مصحح:	نام با عدد:	نام مصحح:	نمره تجدید نظر با عدد:
تاریخ و امضاء:	نمره با حروف:	تاریخ و امضاء:	نمره تجدید نظر با حروف:
بارم	سؤال	ردیف	
۱/۲۵	<p>(الف) تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام عبارت نادرست است.</p> <p>(۱) فارابی فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد.</p> <p>(۲) رابطه محمول وجود با موضوع مربع پنج ضلعی، امکانی است.</p> <p>(۳) دکارت معتقد است که انسان از طریق حس و تجربه رابطه علیت را درک می‌کند و بنا می‌نهد.</p> <p>(۴) «دموکریتوس» فیلسوف یونان باستان معتقد بود از برخورد اتفاقی ذرات سرگردان در فضای غیرمتمنهای عناصر و اشیاء فعلی تشکیل شده‌اند.</p> <p>(۵) زندگی معنادار، زندگی دارای هدف و سرشار از ارزش‌های اخلاقی است که انسان را به آینده مطمئن می‌کند و به او آرامش می‌دهد.</p>		
۱/۵	<p>(ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>(۱) ماهیت و چیستی هر شی، بیان کننده است.</p> <p>(۲) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد می‌گویند.</p> <p>(۳) برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید باید از کمک بگیریم.</p> <p>(۴) فیلسوفی را سراع نداریم که بطور صریح و روشن با اتفاق به معنای موافق باشد.</p> <p>(۵) سهروردی معتقد است حکیمانی در ایران قبل از باستان می‌زیسته‌اند که خداوند را و او را می‌خواندند.</p>		
۱/۵	<p>(پ) هریک از موارد سمت راست با کدامیک از گزینه‌های سمت چپ مرتبط است (جور کردنی)</p> <p>(الف) برهان وجوب و امکان</p> <p>(ب) پیراهن حسن آبی است</p> <p>(پ) چرا؟</p> <p>(ت) اخلاق و وظایف اخلاقی</p> <p>(ث) بی‌اعتباری همه علوم</p> <p>(ج) الهیات شفا</p> <p>(۱) ابن سینا</p> <p>(۲) پذیرش معنای دوم اتفاق</p> <p>(۳) رابطه امکانی</p> <p>(۴) علت این حادثه چیست؟</p> <p>(۵) کانت</p> <p>(۶) بررسی بحث «اتفاق»</p>		
۰/۷۵	<p>(ت) گزینه مناسب را انتخاب کنید.</p> <p>(۱) «چرا کودک به هنگام مواجه شدن با یک حیوان می‌پرسد: این حیوان چیست؟»</p> <p>(الف) کودک قادر نیست میان هستی و چیستی تفکیک قائل شود.</p>		

	<p>ب) زیرا کودک هستی را وجه اختصاصی حیوان می‌داند.</p> <p>ج) به علت ناآگاهی از هستی و چیستی حیوان</p> <p>د) به علت آگاهی از هستی و ناآگاهی از چیستی</p> <p>۲) کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح است؟</p> <p>الف) موجودات جهان ذاتاً به واجب الوجود و ممکن الوجود تقسیم می‌شوند.</p> <p>ب) موجودات جهان از نظر موجود بودنشان به واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغير تقسیم می‌شوند.</p> <p>ج) موجودات جهان از نظر موجود بودنشان به واجب و ممکن تقسیم می‌شوند.</p> <p>د) گزینه الف و ب</p> <p>۳) کدام گزینه باتوجه به دیدگاه هیوم درباره منشأ درک رابطه علیت نادرست است؟</p> <p>الف) هیوم علیت را ذهنی و تکرار حوادث و ساخته و پرداخته ذهن می‌داند.</p> <p>ب) هیوم معتقد است تداعی بر اثر تکرار حادثه‌ها بدست می‌آید.</p> <p>ج) هیوم معتقد است درک رابطه علیت عقلانی است.</p> <p>د) هیوم معتقد است رابطه ضروری میان علت و معلول از طریق مشاهده حسی و تجربی بدست نمی‌آید.</p>
۴/۵	ث) پاسخ کوتاه بدهید.
	وقتی کودکی گرسنه می‌شود بدنبال غذا می‌رود، این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است؟ و کدام اصل فلسفی را بخاطر می‌آورد؟
	اگر حقیقتی رابطه‌اش با «وجود» ضروری باشد آیا می‌شود چنین حقیقتی تاکنون بوجود نیامده باشد؟
	رابطه وجود با دو مفهوم «خاک» و «دیو» کدام است؟
	لازمه و نتیجه «وجوب بخشی علت و معلول» را بنویسید.
	افلاطون با چه عنوان‌هایی از «خدا» یاد می‌کند؟
	«علت تامه» و «علت ناقصه» را بنویسید.
	بحث فیلسوف درباره خدا تا چه وقت فلسفی است؟
	فلاسفه مسلمان معتقدند چه وقت اعتقاد به خدا می‌تواند به زندگی معنا دهد؟
	از نظر ملاصدرا وجود چند گونه است؟ نام ببرید.
	ج) تشریحی:
۱/۵	اگر مفهوم «وجود عین مفهوم ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکلی پیش می‌آمد؟
۱/۵	منظور این جمله چیست؟ رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه امکانی است؟
۲	منشاء درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فلاسفه مسلمان را توضیح دهید.
۱/۵	کدام گروه از فلاسفه معنای سوم اتفاق را انکار می‌کنند؟ چرا؟
۱	نام دو برهان ارسطو در اثبات وجود خدا را بنویسید و یکی را به اختیار توضیح دهید.
۱	هیوم برهان نظم را از چه نظر می‌پذیرد و چه نقدی بر آن ارائه می‌کند؟
۲	برهان فارابی برای اثبات وجود خدا را بنویسید.

	دینمای تصحیح»	فلسفه ۱۲	دی ماه ۱۴۰۰
۱/۲۵	(الف) (۱) ص (۲) غ (۳) غ (۴) ص (۵) ص		
۱/۵	(ب) (۱) ذاتیات آن شی (۲) ممتنع الوجود (۳) تجربه (۴) اول (۵) نور هستی - نور الانوار		
۱/۵	(پ) (الف) ابن سینا (۱) (ب) رابطه امکانی (۳) (پ) علت این حادثه چیست؟ (۴) (ت) کانت (۵) (ث) پذیرش معنای دوم اتفاق (۲) (ج) بررسی بحث «اتفاق» (۶)		
۰/۷۵	(ت) (۱) د (۲) د (۳) ج		
۴/۵	(ث) پاسخ کوتاه (۱) «ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.» یا (اطراف ما چیزهای واقعی هستند) واقعیت داشتن جهان هستی مستقل از ذهن و معرفت به آن‌ها (۲) خیر (۳) خاک ← امکانی دیو ← امکانی (۴) تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی (۵) مثال خیر - صانع (۶) در مواردی که معلول، از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید. هر یک از عوامل «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می‌نامند. علت تامه: شرط لازم و کافی برای تحقق وجود معلول است علت ناقصه: فقط شرط لازم برای وجود معلول است. (۷) تا وقتی که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید. (۸) زمانیکه واقعاً خدا از یک راه معقول و درست درک کرده و پذیرفته باشد. (۹) (۱) وجود بی‌نیاز و غیر وابسته (۲) وجودهای نیازمند و وابسته		
۱/۵	(ج) تشریحی (۱) بله: سلب وجود از ماهیت امکان نداشت - وجود اشیاء نیاز به اثبات نداشت. باید همه ماهیات موجود می‌بودند - باید همه ماهیات یکی می‌شدند.		
۱/۵	(۲) منظور این است که انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد. ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد. با بودن علت وجود برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب الوجود می‌گردد و موجود می‌شود (واجب الوجود بالغير)		

۲	<p>۳) آنان می‌گویند همین که ذهن انسان شکل گرفت متوجه می‌شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی‌شود. و در می‌یابد که یک چیز نمی‌تواند هم خودش باشد هم غیر خودش. یعنی اصل امتناع اجتماع نقیضین را درک می‌کند که بدیهی است ص ۱۷ و آن علل را می‌توان پیدا کرد.</p>
۱/۵	<p>۴) آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می‌کنند چون معتقدند که همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند و مرحله به مرحله کامل‌تر می‌شوند.</p>
۱	<p>۵) «برهان درجات کمال» و «برهان حرکت» توضیح یکی ص ۳۳ یا ص ۳۴</p>
۱	<p>۶) از این نظر که از تجربه گرفته شده است می‌پذیرد (هیوم معتقد است که برهان نظم نمی‌تواند ثابت کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد).</p>
۲	<p>۷) الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. ب) هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد حال اگر این علت دوم هم معلول باشد برای موجود شدن به علت سوم نیاز دارد. حال اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود یعنی منتهی به علتی نشود که معلول نباشد تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید و محال است پس سلسله علت‌های این جهان منتهی به علتی می‌شود که خودش نیازمند به علت نیست.</p>